روزنامه همدلی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

شنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۱_ ۲۵ ربیع الاول ۱۴۴۴_ ۲۲ اکتبر ۲۰۲۲

سال هفتم _ شماره ۲۰۴۳ _ ۸ صفحه _ قیمت ۲۰۰۰ تومان

دیدار سجادی با «الناز رکابی» حاشیه‌ساز شد

عصبانیت علم‌الهدی از وزیر ورزش

۲

روایت حداد عادل از ریشه اعتراضات؛

از نقش زنان غافل شدیم

۲

شائبه‌ای که قرارِ جدیدِ وزیر علوم، تقویت می‌کند

حضور رسمی نظامی‌ها در دانشگاه

همدلی| ورود نیروهای نظامی به دانشگاه‌ها چند دهه است که به عنوان یک موضوع حساس در کشور شناخته می‌شود. جامعه سیاسی و دانشگاهی ایران تقریبا از دهه هفتاد تاکنون تلاش کرده که از وقوع این اتفاق به طور جدی جلوگیری کند. هرچند که سابقه این اتفاق به سال‌های قبل از انقلاب اسلامی باز می‌گردد. ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ سه دانشجو دانشگاه تهران که در اعتراضات شرکت کرده بودند به دست نظامی‌ها به شهادت رسیدند. گزارش ورود نظامی‌ها به دانشگاه تهران و تعطیلی کلاس‌ها در صورت جلسه‌ای از سوی اساتید وقت دانشگاه تهران ضبط شده است. بعد از آن نیز این اتفاق بارها رخ داد. تا این که در نهایت در دهه هفتاد نمایندگان مجلس ششم برای جلوگیری از تکرار ورود نظامی‌ها به دانشگاه قانونی تصویب کردند. اما اکنون به نظر می‌رسد که برخی در تلاش هستند با وجود این قانون و نگرانی‌ها از ورود نظامی‌ها به دانشگاه، راه‌های جدیدی برای دور زدن این قانون فراهم کنند. به‌خصوص آن که وزیر علوم دولت سید ابراهیم رئیسی در تازه‌ترین اظهار نظر از اختصاص دفتری به نیروهای نظامی در دانشگاه‌ها خبر داده است. محمدعلی زلفی‌گل وزیر علوم روز چهارشنبه گذشته در پنجاه و هفتمین نشست معاونان پژوهش و فناوری دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات آموزش عالی و پارک‌های علم و فناوری درباره حضور نظامی‌ها در دانشگاه‌ها صبحت کرد. البته محور صحبت‌های او در این باره نبود که قرار است نظامی‌ها در دانشگاه‌ها وارد شوند و با دانشجویان برخورد کنند.

شرح در صفحه۲

انتقاد شدید معلمان بازنشسته از رفتار تبعیض‌آمیز با معیشت‌شان؛

امسال انتخابات نبود پاداش فرهنگیان قسطی شد

۴

علی‌اکبر جلالی چه روزهایی را پیش‌بینی کرده بود!

راز اشک‌های یک متخصص برای اینترنت

۴

مسکو، تخریب رقیب انرژی خود در اروپا را نشانه رفته‌است؟

روسیه؛ آتش‌بیار منازعه جدید ایران و غرب

همدلی| گزارش‌های مبتنی بر استفاده روسیه از پهپادهای ایرانی در جنگ با اوکراین و واکنش‌های گسترده نسبت به آن از سوی کشورهای اروپایی و غربی، باردیگر نه تنها ایران را هدف تحریم‌های جدید کرده است، بلکه به موضوعی جدیدی برای مطرح شدن پرونده ایران در شورای امنیت سازمان ملل تبدیل شده است. این در شرایطی است که به عقیده بسیاری از کارشناسان سیاسی، روسیه در حال تدارک بازی جدید با هدف آماده کردن میدان برای رویارویی اروپا با ایران است تا رقیب جایگزین تامین انرژی خود در قاره سبز را ناکام بگذارد.

۳

محدودیت‌های بین‌المللی، ایران را از توسعه زیرساخت‌های گازی بازداشته است

هشدار درباره مصرف گاز در ماه‌های سرد

۶

استاندار تهران اعلام کرد؛

تعیین چند نقطه برای برگزاری تجمعات

۲

هجوم بیماری‌های تنفسی با آغاز فصل پاییز

شروع به کار زودهنگام آنفلونزا

۴

سرمقاله

دانشگاه را امنیتی نکنید

محسن صنیعی
استاد دانشگاه

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در روز پنج شنبه، ۲۸ آبان بیان کرده است که «برای امریه سربازی پارک‌های علم و فن‌آوری قرار شد یک دفتر در هر دانشگاهی به نماینده نیروهای مسلح اختصاص داده شود ...

شرح در همین صفحه

یادداشت ها

فیلترینگ در دنیای امروز به جایی می‌رسد؟

رضا صادقیان
روزنامه‌نگار

۱

روش برخورد با دانش‌آموز معترض

صلاح‌الدین هرسنی
مدرس دانشگاه

۱

فریاد نسل‌های آینده را هم بشنویم

عبدالحسین طوطیایی
پژوهشگر

۱

سخن، سخت شکافت

فیض شریفی
نویسنده

۸

سرمقاله

دانشگاه را امنیتی نکنید

محسن صنیعی- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در روز پنج شنبه، ۲۸ آبان بیان کرده است که «برای امریه سربازی پارک‌های علم و فن‌آوری قرار شد یک دفتر در هر دانشگاهی به نماینده نیروهای مسلح اختصاص داده شود تا قراردادها و تفاهم‌نامه‌هایی که با نیروهای مسلح قرار است انجام شود، از این طریق پیگیری شود.» در حالی که به نظر نمی‌آید انجام امور اداری مربوط به اخذ امریه چند مورد در سال برای یک پارک علم و فن‌آوری، نیازمند به اختصاص دفتر و استخدام کارمند اداری باشد، تاسیس این دفاتر، فقط به باز شدن پای نیروهای مسلح در دانشگاه‌ها ارزیابی می‌شود و به این ترتیب اگر در قانون، ورود نیروهای مسلح به دانشگاه‌ها ممنوع است، این دفتر می‌تواند بهانه‌ای برای ورود نیروهای مسلح به دانشگاه‌ها تعبیر شود. متاسفانه، در شرایط فعلی و با حمله نیروهای موسوم به لباس شخصی‌ها به دانشگاه شریف و مجروح شدن و بازداشت تعدادی از دانشجویان، فضای امنیتی حاکم دانشگاه‌ها فزونی پیدا کرد. در دانشگاهی، از استادان خواسته شده است که گزارشگر دانشجویانی باشند که ممکن است در کلاس، کشف حجاب کنند. انتظاری که استاد را به جای مدرس دانشگاه، در موقعیت یک مامور امنیتی و حراست قرار می‌دهد و به این ترتیب، هیچ گاه این استاد نمی‌تواند به عنوان یک معلم، جایگاه معلمی را انجام دهد. در آن صورت، مدیر دانشگاهی هم در حد مدیر حراست تقلیل پیدا می‌کند. خوب است بیان شود که تاریخ دانشگاه و حتی موسسات آموزشی با استقلال از ساختار سیاسی و امنیتی، بنا نهاده شد. چیزی که به راحتی، فراموش شد. در خاطرات دکتر محمدعلی مجتهدی مدیر دبیرستان البرز آورده شده است که در سال ۱۳۳۲، یک سرهنگ که دادستان امنیت بود وارد دفتر مدرسه می‌شود و به دنبال توبیخ یک دانش‌آموز بوده است که جناب مجتهدی، با این استدلال که امور دبیرستان از سازمان‌های امنیتی مستقل است، مانع از سپردن دانش‌آموز به دادستان امنیت می‌شود. در مورد استقلال دانشگاه از ساختار سیاسی، در یادداشت‌های روزانه دکتر علی اکبر سیاسی، رئیس وقت دانشگاه تهران آمده است که روز شنبه ۷فروردین ۱۳۲۷ در جریان سلام نوروزی وزرا، محمدرضا پهلوی خواستار اخراج اساتید توده‌ای از دانشگاه می‌شود، اما دکتر سیاسی ضمن آنکه متذکر می‌شود این افراد در دانشگاه، بی‌طرف هستند و مرام خود را تبلیغ نمی‌کنند، مخالفت ضمنی خود را با این درخواست عیان می‌سازد و متذکر می‌شود، هر اقدامی باید زیر نظر شورای دانشگاه باشد. دکتر سیاسی در یادداشت‌های خود نوشته است: «شاه بسیار تند و عجول به نظر می‌رسید. معلوم بود او را خوب پر کرده بودند. به توضیحات و اشکالات من توجهی نداشت. یکی دو بار هم گفت: اگر دانشگاه مستقل است و می‌خواهید مستقل بماند، باید خودش به تصفیه خودش بپردازد؛ والا استقلالش باید گرفته شود.»

اگر چه با ساختار فعلی دانشگاه‌ها و غیرانتخابی بودن روسای این مراکز، استقلال دانشگاه، یک رویاست ولی حداقل باید به فکر استقلال دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی از نیروهای مسلح و امنیتی بود.

یادداشت

فیلترینگ در دنیای امروز به جایی می‌رسد؟

رضا صادقیان- مسدود کردن شبکه‌های اجتماعی پس از شروع اعتراض‌های اخیر، بیش از هر امری به زیان کسب‌وکارهای اینترنتی تمام شده است. پرسش اصلی؛ آیا این اعمال محدودیت سرانجامی خواهد داشت؟!

براساس گزارش سال گذشته مرکز آمار ایران، معادل ۱۱ میلیون نفر از طریق شبکه‌های مجازی کسب درآمد می‌کنند، به طوری که حدود ۹ میلیون نفر یعنی ۸۳ درصد از طریق اینستاگرام در حال کسب درآمد هستند. فضای صفحه‌های فارسی زبان در اینستاگرام بیش از آنکه محتوی تفریح و سرگرمی و آموزشی باشد، در اختیار فروشندگان خدمات، بسته‌های آموزشی و فروشندگان کالاهای مصرفی و تزیینی است. پس از فیلترینگ اینستاگرام بیشترین ضرر و زیان شامل کسب‌وکارهای کوچک بوده است.

واقعیت آنکه پس از شیوع ویروس کرونا و اعمال محدودیت‌های فاصله‌گذاری اجتماعی در کشور و روبه‌رو شدن با موج‌های پرشمار این ویروس مرگ‌بار، بسیاری از کسب‌وکارها تعطیل شده و پس از مدتی صاحبان همین مشاغل به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ایجاد شغل به صورت فردی و یا خانوادگی گزایش پیدا کردند. برگزاری بسیاری از کلاس‌های آموزشی، کسب‌وکار و تحصیلی از طریق همین بستر امکان‌پذیر شد. در زمانه‌ای که دولت و سایر دستگاه‌های مسئول به دلایل بسیار و از جمله اعمال تحریم‌های بیشتر امکان ایجاد شغل نداشته‌اند، این مشاغل با تکیه به شبکه‌های اجتماعی رونق گرفته‌اند.

نزدیک به یک ماه از اعمال محدودیت‌های جدید بر اینترنت می‌گذرد، اگر قرار بر قطع تماس ارسال کنندگان فیلم و تصویر به شبکه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور بوده، این مهم تحقق نیافت. انبوه فیلم‌ها و تصاویر پخش شده از ناآرامی‌ها در این شبکه‌ها، حکایت از برقرار بودن این ارتباط است، حتی با سرعت کم و بسیار محدود. همچنین اگر قرار به عدم دسترسی شهروندان به شبکه‌های اجتماعی بود، این نیز با وجود هزاران سایت فروش فیلترشکن و ابزارهای جدید دور زدن فیلترینگ، امکان‌پذیر نشد. فقط در این میان آنان که روی بستر اینترنت زندگی و کسب‌وکارشان را بنا کرده بودند، ناکام مانده و ناامیدتر از همیشه به افق درآمد خودشان خیره مانده‌اند.

مسئله فیلتر و فیلترشکن حکایت انباشت دانش و فن‌آوری و ارتقاء پیوسته این دانش در طول سال‌های متمادی است؛ به عنوان مثال: اگر در اواخر دهه هفتاد به کاربران محدود و انگشت شمار کامپیوتر و آنان که با شوق بسیار و از روی فلاپی‌دیسک موفق به نصب سیستم عامل DOS می‌شدند، اظهار می‌کردی در ده سال آینده به تجهیزات ذخیره و بازیابی اطلاعات با ظرفیت دو ترابایت خواهیم رسید، بدون شک شنونده این حرف‌ها شما را به توهم خام و خیالات عجیب متهم می‌کرد، ولی امروزه دست یافتن به این ابزارها بسیار ساده شده است. بنابراین به همان میزان که دستگاه‌ها و تجهیزات فیلتر شبکه اینترنت گسترده‌تر و به‌روزتر شده و امکان نصب و بهره‌برداری آن برای شرکت‌ها، خانواده‌ها و حتی دولت‌ها آسان‌تر می‌شود، فن‌آوری فیلترشکن‌ها نیز به‌روز و جدید می‌شوند، چرا که این تکافوی دو سویه پایان‌پذیر نیست. یکی به دنبال محدودیت و طرف مقابل در جستجوی دانش جدیدتر برای پرش از مانع فیلترینگ است؛ در چنین فضایی تمرکز به گفته‌های عجیب کسی که اتفاقا خود بر صندلی مدیریت یکی از مهم‌ترین رسانه‌های چاپی کشور(یعنی مدیرعمال موسسه همشهری) برای بستن و از ریشه زدن دسترسی به شبکه‌های اجتماعی تنها یک راه دارد؛ و آن اینکه تمام تجهیزات و وسایل مربوط به اینترنت و شبکه‌ها را در هر نقطه‌ای خاموش کنیم و برای اطمینان بیشتر سیم‌ها را در کمدی با هزاران قفل نگه‌داری کنیم!

بنابراین و با توجه به تجربه سال‌های اخیر در حوزه اینترنت ستیز با این فضا و اعمال محدودیت بیش از آنکه کارآیی داشته باشد و دغدغه‌های مسئولان و برخی چهره‌های فرهنگی را به صورت موقت و گذرا پاسخ بدهد، در ظاهر امر موضوعات مبتلا به جامعه را مخفی نگاه می‌دارد.

یادداشت

فریاد نسل‌های آینده را هم بشنویم

عبدالحسین طوطیایی - اعتراضات اخیر در سطح کشور موجب واکنش‌های متفاوت از جانب تریبون‌داران نظام مدیریتی کشور شد. تونع این واکنش ها و تناقض وتضاد موجود در آن‌ها از ناآمادگی آنان در برابر بروز پردامنه چنین موجی نشان دارد. اعتراضاتی که بیش از هر چیز از درنگ در پاسخ به‌هنگام به مطالبات در سطح ملی به‌خصوص برای جوانانی حکایتَ دارد که سال‌هاست در پیله خود، خرج‌شان را از نهادهای رسمی جدا کرده‌اند. امید آن داریم که سرانجام این اعتراضات در آینده‌ای نزدیک به فضایی آکنده از هم‌گرایی و هم‌راهی تمامی گروه‌های اجتماعی منجر شود که دغدغه‌های مشترکی برای منافع ملی دارند. در آن آینده نزدیک به جای سوختن چشم‌ها از گاز فلفل، اشک‌ها تنها به شوق همبستگی از دیده‌ها جاری می‌شود و دوربین‌ها به جای ضبط صحنه‌های خشونت، برآغوش‌های گشوده گروه گروه از مردم این سرزمین متمرکز شود. آغوش‌هایی که آرامش هدیه می‌دهند و فریادهایی که به جای خشم و نفرت، شادی و نشاط عمومی بپراکند. اما بی‌تردید اگر به فریاد نسل‌های آتی نپردازیم این صحنه‌های آرمانی هم آخرِ خوشِ شاهنامه‌ی ما نخواهد بود.

در چند دهه اخیر و به موازاتِ غفلت از مطالبات جوانان، بر بستر حیات و زندگی نسل‌های آینده نیز بسیار جفاها کرده‌ایم. افراط در بهره‌گیری یک‌سویه از طبیعت کم‌جان، سیمایی رنجور از کشور ما نشان داده‌است. اتفاقی ناشی از روزمرگی مدیریتی که خبری خوش برای آیندگان که ندارد هیچ؛ که با تلخی دریاچه‌های خشکیده و جنگل‌های نابود شده را برایشان به سوغات می‌برد. آیندگانی که صدای مظلومیت‌شان تا کنون تنها از گلوی بغض‌آلود و نحیف دلسوزان محیط زیست به گوش می‌رسیده است. دلسوزانی که بر این باوربوده و هستنند که نسل کنونی ما به فراخور توانایی‌هایشان امانت‌داران امینی برای آیندگانِ هنوزنیامده، نبوده‌ایم. شگفتا که با این شدت تخریب در منابعِ و طبیعت، در تلاش افزودن بر شمار این آیندگان هم هستیم. آنها فریاد آینده خود را در این سال‌ها در گوش این دلسوزان اینگونه نجوا می‌کنند که؛ با چه انگیزه و امید و در شرایطی که نه خاکی زنده بر روی زمین و نه آبی جاری در رگ‌هایش مانده است بر گام‌های آمدن ما بر این عرصه سوخته شتاب می‌دهید؟ امثال راقم این سطور در این واپسین مجال‌های مانده از عمرِ رفته و به میزان سهم خود در این روند تخریب از واگذاری این عرصه سوخته به نسل آینده بیمناک و شرمسارم. ای‌کاش تا خیلی دیرتر نشده در مسیر تخریبی که تا کنون طی کرده‌ایم، یک بازنگری واقع‌گرایانه‌ای صورت گیرد.

اگر سرانجام و در سایه تدبیر و واقع‌گرایی، برچسب اغتشاش را از این اعتراضات برگرفته و مانند اعضای یک خانواده بزرگ بر گرد هم نشستیم، بایستی در نخستین گام‌ها به صدای آیندگان گوش فرا دهیم؛ صدایی که اگر هشیار نباشیم هر آینه به فریادهای گوش‌خراشی بدل خواهد شد. این گونه که پیش می‌رود بدون تردید مطالبات نسل‌های هنوز نیامده تنها برای زنده ماندن است؛ مانند هوایی برای نفس کشیدن، آبی برای نوشیدن و نانی برای رفع گرسنگی. درحقیقت برای زنده بودن است و نه زندگی کردن. دریغا که در چنین آینده‌ای محتوم، آنها ناگزیرند که فریاد دیرهنگام خود را بر سر گورهای صاحبان کرسی‌های چند دهه‌ی اخیر ما بکشند. گورهایی که خفتگانش بازتابی جز سکوتی سرد نخواهند داشت.

یادداشت

روش برخورد با دانش‌آموز معترض

صلاح‌الدین هرسنی - بعد از بروز ناآرامی‌های اخیر، ما شاهد همراه شدن بخشی از جامعه دانش‌آموزی به این تحرکات در برخی از شهرهای کشور بوده‌ایم. این ورود و و ابراز رفتارهای اعتراضی به این معنی است که آنها نیازها، خواسته‌ها و تقاضاهایی دارند که به نظر می‌رسد در طی سال‌ها بدون پاسخ مانده است.

محققا ورود و همراه شدن جامعه دانش‌آموزی به این ناآرامی‌ها معلول دلایل وشرایطی است. در این ارتباط، برخی تحلیل‌گران علت این همراهی را اقتصادی دانسته و برخی دیگر آن را عاملی برای تقویت رفتارهای اعتراضی معترضان و به روایتی سیاسی دانسته‌اند. برخی دیگر دامنه و افق تحلیل خود را با مسئله روان‌شناسی پیوند زده و در راستای آموزه‌های «زیگموند فروید» روانکاو مشهور اتریشی به این نتیجه رسیده‌اند که همراهی جامعه دانش‌آموزی بیانی از اختلالات روانی و یا نتیجه عقده‌های فروخورده جنسی است که اکنون سر باز کرده و مَحمل و توجیهی سیاسی پیدا کرده است.!! به هر حال، ورود دانش‌آموزان به این اعتراضات هر انگیزه ای داشته باشد، اما به معنای این است که یک جای کار لنگ می‌زند و مشکل دارد. براین اساس می توان گفت که ما به جهت اعمال سلیقه و اصرار به دانش‌آموزان برای پذیرش معیارها و انتظارات نسل‌های قدیم‌تر، و در نتیجه عدم توجه به شناخت دائقه و سلیقه این نسل، کم‌کاری کردیم و سبب نارضایتی دانش‌آموزان شده و به زبانی ساده صدایشان را درآورده‌ایم.

از منظر نشانه‌شناسی، هر یک از دلایل ورود و همراه شدن جامعه دانش‌آموزی به این ناآرامی‌ها به نوبه خود محل توجه و مطمح نظر است و مهم این است که آنها یا به علت دشواری‌های اقتصادی و یا به بهانه سیاسی آن هم متاثر از شعار «زن، زندگی، آزادی» و برفرض به واسطه بروز اختلالات روانی و عقده‌های فروخورده جنسی با این اعتراضات پیوسته و تلاش دارند که به سهم خود و به شیوه زنانگی در تاریخ پر فراز وفرود کشورمان ایران تاریخ‌سازی کنند. حال مهم‌تر از پرداختن به چرایی و اسباب و علل این همراه شدن، برخورد دستگاه امنیت و وزارت آموزش پرورش با این مساله است.

در این ارتباط،گفته و شنیده شده است که نحوه برخورد با این دانش‌آموزان با همراهی و هدایت برخی مدیران مدرسه و مسئولان ذیربط، غیرسازنده و همراه با بازجویی و خشونت بوده و و آن‌گونه که وزیر آموزش وپرورش در اظهارنظری عجیب گفته آن‌ها را جهت درمان اختلالات درمانی به مراکز روانشناسی فرستاده تا شاید بعد از بهبودی وضعیت بازسازی و سلامت روان به مدرسه بازگردند. نکته غم‌بار و تراژیک ماجرا آنجاست که وزیر آموزش و پرورش که تحصیلاتش در زمینه مدیریت گردشگری و عمده فعالیتش در حوزه پتروشیمی و تجارت بوده است، درباره چگونگی برخورد با دانش‌آموزان بازداشتی معترض، واکنش مناسب و راهکار روشنی برای اقناع کارشناسان و افکار عمومی نشان نداده و به رفتارهای غیرسازنده و احتمالا همراه با خشونت رضایت داده است. نیک پیداست که چنین روشی در قبال برخورد با دانش‌آموزان معترض سخت اشتباه است و می‌تواند با توجه به شرایط سنی آنها به مثابه یک تِرومای (روان‌زخم) بزرگ برای آینده زندگی و حیات علمی دانش‌آموزان عمل کند. روان‌زخمی که آثار جبران‌ناپذیری را برای آینده حیات علمی آنها به همراه خواهد داشت.

در نگاه نخست این‌گونه رفتارهای نابخردانه به پادگانی شدن فضاهای آموزشی و سلب ماهیت علمی و فرهنگی کلاس‌های درس منجر خواهد شد. بهتر آن بود که مسئولان ذیربط به جای رفتارهای غیرسازنده، مخرب و همراه با خشونت و بازجویی و ایجاد فضای وحشت و ارعاب، به زمینه‌ها و اسباب علل ورود دانش‌آموزان علاقه نشان می‌دادند و به رمزگشایی دلایل ورود دانش‌آموزان به این اعتراضات می‌پرداختند. نیک پیداست که این علت‌ها نیز ساخته و پرداخته خود مسئولان و ناتوانی نهادهای فرهنگ‌ساز به ویژه کانون‌های پرورشی در نهاد آموزش و پرورش است. در این ارتباط، یکی از دلایل اصلی این وضعیت آن است که نهادهای پرورشی به رغم تعریف بودجه‌های کلان، شرایط را برای آموزش صحیح ابراز مطالبات به‌صورت مسالمت‌آمیز و مدنی فراهم نکرده‌اند. همچنین این وضعیت ناشی از عدم تربیت لازم سیاسی از طریق همان محیط‌های پرورشی است که حداقل می‌توانست به عنوان عامل بازدارنده در برابر این نوع دعوت‌ها نقش‌آفرینی کند. بدیهی است که در شرایط فقدان آموزش جامعه‌پذیری سیاسی، شور و احساس بر منطق غلبه کند و مصائبی را به همراه آورد که کنترل و جبران آن ممکن نباشد. در سطحی دیگر، مسئولان و به ویژه دست‌اندرکاران وزارت آموزش پرورش باید بپذیرند که تغییرات کتاب‌های درسی با خواسته‌های نسل جدید همراه نیست و این مسئولان طبق انتظارات نسل‌های جدید عمل نکرده و برنامه‌های آنها با خواسته‌های این نسل منطبق نبوده است. تحت این شرایط، هرگونه خشونت و بازجویی به جای تسامح و مدارای معطوف با عقلانیت در قبال قشری که دچار شکاف‌های نسلی گردیده و امکان افزایش این شکاف‌ها در آینده نیز منتفی نیست، وجه تراژیک ماجرا را عمیق‌تر می‌کند. ضمن آنکه همان رفتارهای توام با خشونت و بازجویی، پل‌های ارتباطی نسل جدید با نسل قدیم را از بین می‌برد و راه‌های گفتگو را می‌بندد.